

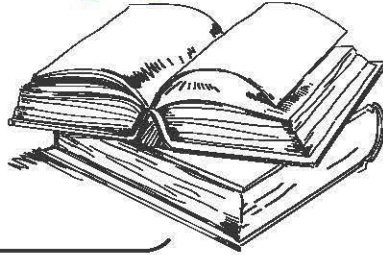
## کتاب دهم

۸.....	درس اول	واژگان بخش مهمی از برنامه عربی کتاب‌های نظام جدید را تشکیل می‌دهد. براساس اهداف تعریف‌شده کتاب درسی، ما باید تا پایان سال یازدهم حدود ۱۵۰۰ واژه مهم و پرکاربرد زبان عربی را یاد گرفته باشیم. این واژه‌ها در قرآن، حدیث، روایات، و البته در زبان و ادبیات فارسی بسیار زیاد به کار رفته‌اند؛ یعنی دانستن آن‌ها فقط به درد موفقیت در آزمون‌های چهارگزینه‌ای نمی‌خورد، بلکه برای خواندن و فهمیدن قرآن و احادیث، و حتی فهمیدن بسیاری از متن‌ها و شعرهای فارسی هم به کار می‌آیند.
۱۳.....	درس دوم	
۱۸.....	درس سوم	
۲۳.....	درس چهارم	
۲۸.....	آزمون واژگان عربی دهم ۱،۲،۳،۴	
۲۹.....	درس پنجم	
۳۴.....	درس ششم	
۳۸.....	درس هفتم	
۴۲.....	درس هشتم	
۴۶.....	آزمون واژگان عربی دهم ۵،۶،۷،۸	
۴۷.....	آزمون واژگان عربی دهم	

## کتاب یازدهم

۴۹.....	درس اول	در این بخش، برای هر درس، فعل‌ها و اسم‌ها و اصطلاح‌های کل درس، یعنی متن درس و همه تمرین‌ها، به صورت جداگانه جدول شده‌اند و بعد از آن‌ها کلمه‌های مترادف و متضاد و جمع‌های مکسر و مصدرهای مهم هر درس آمده است. این دسته‌بندی‌ها برای پاسخ‌گویی به سؤالات بسیار مفید هستند. علاوه بر این، مجموعاً نزدیک به ۲۰۰ پرسش چهارگزینه‌ای از واژگان در این بخش داریم که هم بعد از هر درس و هم به صورت دوره‌ای تنظیم شده‌اند. در این مجموعه، تقریباً از همه واژگان مهم کتاب‌های درسی سؤال وجود دارد.
۵۴.....	درس دوم	
۵۹.....	درس سوم	
۶۴.....	درس چهارم	
۶۸.....	آزمون واژگان عربی یازدهم ۱،۲،۳،۴	
۶۹.....	درس پنجم	
۷۳.....	درس ششم	
۷۷.....	درس هفتم	
۸۱.....	آزمون واژگان عربی یازدهم ۵،۶،۷	
۸۲.....	آزمون واژگان کل عربی یازدهم	

انتظارات آموزشی



آنچه انتظار داریم در پایان این درس بدانید:  
 ۱۶ فعل، ۲۱ اسم، ۴ اصطلاح  
 ۱۳ مترادف  
 ۱۷ متضاد  
 ۱۴ جمع مکسر  
 ۱۴ مصدر بی قاعده  
 یادگیری این موارد به شما یاری می‌دهد تا بتوانید یک متن عربی را به خوبی بفهمید و ترجمه کنید.

یادگیری



فعل ها

ماضی	مضارع	مصدر
سَقَى	يَسْقِي	سَقَاتَن
من سَقَى فيه بصره؟ چه کسی در او، دیده‌اش را شکافت؟		
صَيَّرَ	يُصَيِّرُ	تَبْدِيلُ كَرْدَن، گِردَانِیدَن
صَيَّرَ الْأَرْضَ بِه بَعْدَ اغْبَارِ حَضْرَةِ زمین را بعد از غبار آلودگی، سرسبز گردانید.		
عَيَّنَ	يُعَيِّنُ	مَعَيِّنُ كَرْدَن، مَشَخَّصُ كَرْدَن
عَيَّنَ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ ترجمه درست را مشخص کن.		
قَالَ	يَقُولُ	گفتن
قَالَ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ؟ بگو چه کسی میوه را از آن خارج می‌کند؟		
قَتَلَ	يَقْتُلُ	كُشْتَن
لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ خودتان را نکشید		
كَمَّلَ	يَكْمُلُ	كامل کردن، تکمیل کردن
كَمَّلَ تَرْجُمَةَ الْآيَاتِ ترجمه آیه‌ها را کامل کن.		
نَمَّ	يَنْمُو	رشد کردن، رشد و نمو کردن
كَيْفَ نَمَّتْ مِنْ حَبَّةٍ؟ چگونه از دانه‌ای رشد کرد؟		
وَضَعَ	يَضَعُ	قرار دادن، گذاشتن، وضع کردن
ضَعَّ فِي الْفِرَاقِ كَلِمَةً مَنَاسِبَةً در جای خالی، کلمه مناسب را قرار بده.		

ماضی	مضارع	مصدر
أَخْرَجَ	يُخْرِجُ	دِرْأوردَن، بیرون کردن، اخراج کردن
مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ؟ چه کسی میوه را از آن بیرون می‌آورد؟		
أَدْخَلَ	يُدْخِلُ	داخل کردن
أَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا آن‌ها را در رحمتمان داخل کردیم.		
أَنْزَلَ	يُنْزِلُ	فِرود آوردَن، نازل کردن
مَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ چه کسی بارانش را از آن نازل کرد؟		
أَوْجَدَ	يُوجِدُ	پدید آوردَن، ایجاد کردن
مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوْثِمِ الشَّرِّيرَةِ؟ چه کسی آن را در هوا همچون اخگر پدید آورد؟		
تَرَجَّمَ	يَتَرَجَّمُ	برگرداندن، ترجمه کردن
تَرَجَّمَ الْأَفْعَالُ التَّالِيَةَ فعل‌های زیر را ترجمه کن.		
جَهَّزَ	يُجَهِّزُ	آماده کردن، تجهیز کردن
مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرَةٍ؟ چه کسی آن را به نیرویی اندیشمند مجهز کرد؟		
دَارَ	يَدُورُ	چرخیدن، دورزدن
القَمَرُ يَدُورُ دَوْرَ الْأَرْضِ ماه به دور زمین می‌چرخد.		
زَانَ	يَزِينُ	زینت‌دادن، تزیین کردن
زَانَتْ بِأَنْجُمِ كَالدَّرْرِ الْمُنْتَشِرَةِ آن را با ستارگانی همچون مرواریدهای پراکنده، زینت داد.		

عربی	فارسی
شَرَّة	زبانۀ آتش، اخگر
مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوْثِ مِثْلَ الشَّرَّةِ؟ چه کسی است که این را در هوا همچون <b>اخر</b> بوجود آورد؟	
ضياء	روشنایی
فيها ضياءٌ. در آن <b>روشنایی ای</b> هست.	
عُصُون	شاخهها
الشَّجَرَةُ ذَاتُ الْعُصُونِ النَّضْرَةُ. درخت دارای <b>شاخههای</b> تر و تازه است.	
عَيْم	ابر
أَنْظُرْ إِلَى الْعَيْمِ. به <b>ابر</b> نگاه کن.	
الْفَرَاغُ	جای خالی
صَحَّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةٌ مَناسِبَةٌ در <b>جای خالی</b> کلمه مناسب را قرار بده.	
قَاعَةٌ	سالن
فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ در <b>سالن</b> فرودگاه	
مُسْتَعْرَةٌ	فروزان
الشَّمْسُ جَدُوْتُهَا مُسْتَعْرَةٌ. خورشید <b>شعله آتشش فروزان</b> است.	
مُتَفَكِّرَةٌ	اندیشمند
قُوَّةٌ مُتَفَكِّرَةٌ <b>نیروی اندیشمند</b>	
مُنْهَمِرَةٌ	ریزان
أَنْعَمَ اللَّهُ مُنْهَمِرَةٌ. نعمت‌های خداوند <b>ریزان</b> است.	
نَضْرَةٌ	تر و تازه
الشَّجَرَةُ ذَاتُ الْعُصُونِ النَّضْرَةُ. درخت دارای <b>شاخههای تر و تازه</b> است.	

عربی	فارسی
إِعْرَابٌ	تیره‌رنگی، آلودگی
صَيَّرَ الْأَرْضَ بِه بَعْدَ إِعْرَابِ خَضِرَةَ با آن زمین راه پس از <b>تیرگی</b> ، سرسبز کرد.	
أَنْعَمَ	نعمتها
أَنْعَمْتُ مِنْهُمْ. <b>نعمت‌هایش ریزان</b> است.	
أَنْجَمَ	ستارگان
زَانَ اللَّهُ السَّمَاءَ بِأَنْجَمٍ. خداوند آسمان را با <b>ستارگانی</b> زینت داد.	
بَالِغٌ	کامل، بالغ
حِكْمَةٌ بِالْعَقَّةِ <b>اندیشه‌ای کامل</b>	
التَّعَارُفُ	یکدیگر را شناختن، آشنا شدن
التَّعَارُفُ فِي الْمَطَارِ <b>آشنایی در فرودگاه</b>	
جَدْوَةٌ	پاره آتش، اخگر
الشَّمْسُ جَدُوْتُهَا مُسْتَعْرَةٌ. خورشید <b>اخرش فروزان</b> است.	
خَضِرَةٌ	سرسبز
صَيَّرَ الْأَرْضَ بِه بَعْدَ إِعْرَابِ خَضِرَةَ. آن زمین راه پس از <b>تیرگی</b> و <b>غبار آلودگی</b> ، سرسبز کرد.	
دُرَّرٌ	مرواریدها
زَانَهُ بِأَنْجَمٍ كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ. آن را با <b>ستارگانی</b> همچون <b>مرواریدهای</b> پراکنده آراست.	
ذَا	این، اسم اشاره به نزدیک
مَنْ ذَا الَّذِي ... <b>این</b> چه کسی است که ...	
ذَاكَ	آن، اسم اشاره به دور
ذَاكَ هُوَ اللَّهُ. <b>آن</b> همان خداوند است.	
ذَاتٌ	دارای
الشَّجَرَةُ ذَاتُ الْعُصُونِ درخت <b>دارای</b> شاخه‌های تر و تازه است.	

اصطلاح	معنی
إِنْ شَاءَ اللَّهُ	اگر خدا بخواهد.
مَعَ الْأَسْفِ	متأسفانه
مُسْتَعِيناً	به کمک
أَكْثَبَ مُفْرَدَ الْأَسْمَاءِ مُسْتَعِيناً يَجْمَعُ الدَّرْسَ	مفرد اسم‌ها را به کمک فرهنگ لغت درس، بنویس.

### مترادف ها

کلمه	معنی	مترادف
مَهْلًا	صبر	صبراً
ناجح	موفق	فائز
نجم	ستاره	کوکب

کلمه	معنی	مترادف
ذاک	آن	ذَک
رَقَدَ	خوابید	نَامَ
ضیاء	نور	نور
غیم	ابر	سحاب
مُجِدَّ	سخت کوش	مُجْتَهِد

کلمه	معنی	مترادف
أب	پدر	والِد
أُمُّ	مادر	والِدَة
أَوْثَرُ	دستور بده	مُر
جَذْوَة	اخگر	شَرَرَة
ذَا	این	هَذَا

### متضاد ها

کلمه	معنی	متضاد
مسرور	شاد	حَزِين
مَسْمُوح	مجاز	مَمْنُوع
ناجح	موفق	رَاسِب
نهایه	پایان	بَدَايَة
يَمِين	راست	يَسَار

کلمه	معنی	متضاد
دنیا	دنیا	آخِرَة
رجالی	مردان	نَسَائِيّ
رخیصه	ارزان	غَالِيَة
شراء	فروش	بَيْع
صَدِيق	دوست	عَدُوّ
قريب	نزدیک	بَعِيد

کلمه	معنی	متضاد
أرادل	فرومايگان	أَفْضَل
أرذل	فرومايه	أَفْضَل
أصدقاء	دوستان	أَعْدَاء
إِفْتِتَاح	شروع	إِخْتِتَام
جميل	زیبا	قَبِيح
حُزْن	اندوه	سُرُور

### مفرد و جمع ها

مفرد	معنی	جمع
نجم	ستاره	نجوم / أَنْجُم
نعمة	نعمت	أَنْعَم / نِعَم
نَفْس	نفس، خود	أَنْفُس / نَفُوس
يَوْم	روز	أَيَّام

مفرد	معنی	جمع
دَرّ	مروارید	دَرَر
عُصْن	شاخه	عُصُون
فَصْل	فصل	فُصُول
لون	رنگ	ألوان
مَلْبَس	پوشاک	مَلَابِس

مفرد	معنی	جمع
أرذل	فرومايه	أرذِل
أفضل	شايسته	أفْضَل
باب	در	أبواب
بَحْث	پژوهش	أَبْحَاث
حَجَر	سنگ	أَحْجَار

### مصدر ها

مصدر	معنی	ماضي	مضارع
القَوْل	گفتن	قَالَ	يَقُولُ
القَتْل	کشتن	قَتَلَ	يَقْتُلُ
القُدْرَة	توانستن، قادر بودن	قَدَرَ	يَقْدِرُ
الکِتَابَة	نوشتن	كَتَبَ	يَكْتُبُ
النَّظَر	نگاه کردن	نَظَرَ	يَنْظُرُ
النَّفْع	سود بردن	كَفَعَ	يَنْفَعُ
النُّمُو	رشد کردن	نَمَا	يَنْمُو

مصدر	معنی	ماضي	مضارع
الجَعْل	قرار دادن	جَعَلَ	يَجْعَلُ
الدَّوْرَان	چرخیدن	دَارَ	يَدُورُ
الدُّخُول	وارد شدن	دَخَلَ	يَدْخُلُ
الزَّيْن	زینت دادن، آراستن	زَانَ	يَزِينُ
الظُّلْم	ظلم کردن	ظَلَمَ	يَظْلِمُ
العَيْش	زندگی کردن	عَاشَ	يَعِيشُ
العَمَل	کار کردن	عَمَلَ	يَعْمَلُ

## تمرین تستی

### الگوی اول:

- \* مشخص کردن درست و نادرست در مترادف و تضاد
- \* تعیین کردن جملاتی که در آن‌ها واژه‌های مترادف و متضاد وجود دارد

### الگوی دوم:

- \* مشخص کردن درست و نادرست در مورد مفرد و جمع
- \* تشخیص تعداد جمع‌ها

### الگوی سوم:

- \* تشخیص درستی یا نادرست معنی لغات
- \* پر کردن جای خالی با واژه مناسب
- \* مشخص کردن لغت مناسب با توجه به توضیحات و تعریف ذکرشده در صورت سؤال
- \* مشخص کردن واژه غیرمرتبط از نظر معنی

### از هر یک از این الگوها ممکن است انواع مختلفی سؤال مطرح شود:

در همه این نوع سؤال‌ها شما باید معنی واژه‌ها و مترادف‌ها و متضادهای آن را بدانید. طبیعتاً اگر می‌توانستید واژه‌نامه را با خودتان به جلسه آزمون ببرید، هیچ مشکلی وجود نداشت ولی می‌دانیم که این کار غیر ممکن است! بنابراین باید واژه‌ها و مترادف‌ها و متضادهای جمع‌های مکسر را حفظ باشید.

### الگوی اول

- عَيْنَ الْجَمَلَةِ الَّتِي فِيهَا الْمْتَرَادِفِ.  
 1 إذا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.  
 2 مَنْ زَرَعَ الْعُدُونَ وَالْحَسَدَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.  
 3 اللَّهُ خَلَقَ الشَّمْسَ الَّتِي فِيهَا ضِيَاءٌ وَزَانَ اللَّيْلَ بِنُورِ الْأَنْجُمِ.  
 4 أَنْظَرَ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ

### الگوی دوم

- عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنِ الْجَمْعِ.  
 1 فُسْتَانٌ = فُسَاتِينُ / حَجْرَةٌ = أَحْجَارٌ  
 2 صَوْمٌ = صِيَامٌ / دَرٌّ = دَرَرٌ  
 3 غُصْنٌ = غُصُونٌ / نِعْمَةٌ = أَنْعَمٌ  
 4 عَدُوٌّ = عُدُونَ / غَيْمٌ = غَيْومٌ

### الگوی سوم

- عَيْنَ الْمُنَاسِبِ لِمَعْنَى الْأَفْعَالِ عَلَى التَّوَالِي.  
 1 رَحِمَ كَرْدٌ - رَحِمَ مِي كَنِي  
 2 رَحِمَ كَرْدٌ - بِه تُو رَحِمَ كَنْد  
 3 رَحِمَ كَرْدٌ - تَا رَحِمَ كَنِي  
 4 رَحِمَ كَرْدٌ - بِه تُو رَحِمَ مِي كَنْد  
 5 اِنْتَخِبِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاعِينِ عَلَى التَّوَالِي «لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ»  
 ..... آنچه را .....  
 1 نگویند - انجام نمی‌دهند  
 2 چرا می‌گفتند - انجام نمی‌دادند  
 3 عَيْنَ الْخَطَا فِي تَرْجَمَةِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌ.  
 1 أَنْظَرَ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَدَّوْهَا مُسْتَعْرَةٌ = فَرُوزَانٌ  
 2 ذُو حِكْمَةٍ بِالْعَجَّةِ وَ قُدْرَةٍ مُقْتَدِرَةٌ = كَامِلٌ  
 3 زَانَةٌ بِأَنْجُمٍ = بِا سِتَارَه‌ای  
 4 وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ = يَاد نِيكُو

۶. اِنتَخِبِ الصَّحِيحَ حَسَبَ الكَلِمَاتِ الْمُتَنَاسِبَةِ.

۱. غَيْمٌ - كَوْكَبٌ - قَمَرٌ - إِغْبَارٌ  
 ۲. نَيْزِرَةٌ - قَاعَةٌ - حَضْرَةٌ - جَمِيلَةٌ  
 ۳. اُوجِدُ - زَانٌ - اَنْعَمُ - اُخْرِجُ  
 ۴. صَدَقٌ - اَدَاءُ الْاَمَانَةِ - عَفُوٌ - وَقَارٌ

۷. ما هُوَ الْخَطَا حَسَبَ التَّوْضِيحَاتِ.

۱. بَخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ وَ التَّلَاحُ = < السَّحَابُ  
 ۲. الْأَحْجَارُ الْغَالِيَةُ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ = < الدُّرَرُ  
 ۳. كَوْكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ وَ ضِيَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ = < النُّجُومُ  
 ۴. مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَّةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ = < الْفُسْتَانُ

## «مشاوره»

چگونه واژه‌ها را حفظ کنیم؟ راه مرسوم این است که از اول واژه‌نامه کتاب حفظ کردن واژه‌ها را شروع کنید. این کار شدنی است، ولی به نظر ما خیلی جواب نمی‌دهد! بهترین راه این است که خودتان معنی را به دست بیاورید. این کار ممکن است در ابتدا کمی سخت به نظر بیاید، ولی به زودی می‌بینید نه تنها بسیار کار ساده و لذت‌بخشی است که نتیجه بسیار بهتری هم دارد: شما هرگز معنی واژه‌ای را فراموش نخواهید کرد!

## فصل دوم

# قواعد کتاب دهم

## ویازدهم

### کتاب دهم

۸۵	درس اول
۹۵	درس دوم
۱۰۰	درس سوم
۱۰۵	درس چهارم
۱۰۷	آزمون قواعد عربی دهم ۱،۲،۳،۴
۱۰۹	درس پنجم
۱۱۵	درس ششم
۱۱۹	درس هفتم
۱۲۴	درس هشتم
۱۲۸	آزمون قواعد عربی دهم ۵،۶،۷،۸
۱۳۰	آزمون قواعد عربی دهم

### کتاب یازدهم

۱۳۲	درس اول
۱۳۷	درس دوم
۱۴۱	درس سوم
۱۴۵	درس چهارم
۱۵۰	آزمون قواعد عربی یازدهم ۱،۲،۳،۴
۱۵۱	درس پنجم
۱۵۴	درس ششم
۱۵۹	درس هفتم
۱۶۲	آزمون قواعد عربی یازدهم ۵،۶،۷
۱۶۳	آزمون قواعد کل عربی یازدهم

و اعد تمرکز اصلی برنامه عربی کتاب‌های نظام جدید بر قواعد نیست. در این کتاب‌ها قرار بر این است که قواعد در خدمت ترجمه و درک مطلب باشند. با توجه به این اصل و با پرهیز از بیان مطالبی که در حوزه اهداف کتاب درسی نیست، در این بخش همه قواعد به صورت درس به درس با بیانی ساده و کاربردی بازگو شده‌اند. همچنین برای اینکه کاربرد این قواعد و انواع سؤال‌هایی که از این قواعد ممکن است طرح شوند را بشناسید، الگوهای مختلف تستی و روش پاسخ‌گویی به آن‌ها برای هر درس آمده است.

تعداد سؤالاتی که برای هر درس این قسمت تنظیم شده‌اند متناسب با اهمیت قواعد آن درس است. به این ترتیب، مجموعاً نزدیک به ۴۰۰ پرسش چهارگزینه‌ای قواعد در این بخش داریم که به صورت درس به درس و دوره‌ای آمده‌اند. در این مجموعه تعداد زیادی از سؤالاتی که در کنکورهای نظام قدیم وجود داشته‌اند و با اهداف و قواعد کتاب‌های نظام جدید سازگار هستند هم، با ذکر منبع، ارایه شده‌اند.

۳۰۴. عَيْنُ الْفِعْلِ الَّذِي لَا يُنَاسِبُ الْجُمْلَةَ مِنْ حَيْثُ الْمَعْنَى: (سراسری خارج از کشور ۹۳ با تغییر)

- ۱) الْأَمْثَالُ وَالْحِكْمُ تُسْتَعْمَلُ لِبَيَانِ مَا فِي سَرِيرَةِ الْمُسْتَضْعَفِينَ. ۲) قَدْ أُسِّسَتْ هَذِهِ الْأَمَاكُنُ لِعِلَاجِ الْمَرْضَى الْمُسْتَضْعَفِينَ.  
۳) اُنْتُخِبَتِ الْمُعَلِّمَةُ هَذِهِ الطَّالِبَةَ لِأَنَّهَا تَعْتَمِدُ عَلَيْهَا. ۴) سَتُقْرَأُ أَخْبَارٌ مُهِمَّةٌ فِي الْمَجَلَاتِ الْعِلْمِيَّةِ.

۳۰۵. ما هو الصحيح في أسلوب العبارة عنايةً بالفعل:

- ۱) يُبَشِّرُ الْمُدْرَسُ أَحَدَ تَلَامِيذِهِ بِالنَّجَاحِ فِي الْإِمْتِحَانِ. ۲) مُنِعَ أَحَى الْمَرِيضُ عَنِ الْعَمَلِ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ.  
۳) سَمِعَتِ الطِّفْلَةَ صَوْتًا غَرِيبًا مِنْ بَعِيدٍ. ۴) نَعُرَفُ أَصْدِقَانَنَا الْمُخْلِصِينَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ.

۳۰۶. عَيْنُ الْفِعْلِ الثَّلَاثِي الْمَزِيدِ مَبْنِيًّا لِلْمَجْهُولِ:

- ۱) تَعَجَّبْتُ مِنْ أَعْمَالِهِ الْكَبِيرَةِ فِي هَذَا السَّنِ. ۲) اُنْتُصِرَ الْمُسْلِمُونَ وَ سَلِبَتْ قُدْرَةُ الظَّالِمِينَ.  
۳) أُرْسِلَتْ هَذِهِ الْمَرْأَةُ مُبَشِّرَةً بِنَجَاحِ أَهْلِهَا. ۴) يُشَجِّعُ الْأَبُ أَوْلَادَهُ عَلَى طَلَبِ الْعِلْمِ.

## الگوی دوم

### تشخیص فاعل یا نایب فاعل و انواع آن

روش پاسخگویی:

تشخیص نایب فاعل کاملاً شبیه تشخیص فاعل است. برای تشخیص به موارد زیر توجه کنید:

- ۱- به صیغه فعل توجه کنید.  
۲- اگر مفرد غائب نباشد، فاعل یا نایب فاعل، حتماً ضمیر است در این صورت به انتهای فعل توجه کنید:  
**الف-** اگر شناسه‌ای بعد از حرف آخر اصلی فعل داشته باشید، همان شناسه ضمیر بارز است.  
**ب-** اگر شناسه‌ای نداشته باشید، ضمیر مستتر است.  
۳- اگر مفرد مذکر یا مؤنث غایب باشد:  
**الف-** بپرسید چه کسی؟ چه چیزی؟ اگر کلمه‌ای بعد از فعل، در جواب بیاید که از نظر جنس با فعل هماهنگ است، فاعل یا نایب فاعل اسم ظاهر است.  
**ب-** اگر کلمه مناسبی بعد از فعل، در جواب نداشته باشید، ضمیر مستتر هو یا هی است.  
۴- آخر فاعل یا نایب فاعل یکی از این علامت‌ها را می‌بینید (ـُ، ـِ، ـِ، ـِ، وَنْ)

۳۰۷. عَيْنُ نَائِبِ الْفَاعِلِ فِي الْجُمْلَةِ التَّالِيَةِ: «تَزِينُ فِي الْأَيَّامِ الْمَطَايِرَةَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضَ بِالْوَانِ جَمِيلَةٍ».

- ۱) الماطرة ۲) السماء ۳) الأرض ۴) جميلة

۳۰۸. عَيْنُ نَائِبِ الْفَاعِلِ إِسْمًا ظَاهِرًا:

- ۱) صَوْتُ الْإِنْفِجَارِ سَمِعَ مِنْ بَعِيدٍ. ۲) اُنْتُخِبَ هَذَا الشَّابُّ لِأَنَّهُ شَابٌّ صَالِحٌ.  
۳) نَحْتَرِّمُ مِنْ أَجْلِ زَحَمَاتِنَا وَ نَحْنُ فَرِحُونَ. ۴) أُرْسَلَتِ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ لِهَدَايَتِنَا.

۳۰۹. عَيْنُ نَائِبِ الْفَاعِلِ ضَمِيرًا مُسْتَتِرًا: (سراسری ۹۳)

- ۱) كَانَتْ عَقُولُكُمْ قَدْ عَسَلَتْ فَغَيَّرْتُمْ طَرِيقَةَ حَيَاتِكُمْ! ۲) اِنِّي اُرْسِلْتُ لِلتَّلْعِيمِ وَ لِإِتْمَامِ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ!  
۳) لَنْ نُؤَيِّدَ آرَاءَ هَذَا الْعَالَمِ فِي الْجُلُوسَاتِ الْعِلْمِيَّةِ. ۴) مُنِعْنَا مِنَ التَّكَاسُلِ وَ لِإِقَاءِ أُمُورِنَا عَلَى الْآخِرِينَ!

۳۱۰. عَيْنُ الْخَطَا فِي نَوْعِ نَائِبِ الْفَاعِلِ: (آزاد ۸۷)

- ۱) هَذَا الَّذِي رَزَقْنَا مِنْ قَبْلِ. (ضمير بارز) ۲) الْمَرْأَةُ الْمُسْلِمَةُ مُنِعَتْ مِنَ التَّكَاسُلِ. (ضمير مستتر)  
۳) أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ. (ضمير بارز) ۴) كُتِبَ عَلَيْكُمْ الصِّيَامُ. (اسم ظاهر)

۳۱۱. عَيْنُ مَا فِيهِ الْإِسْمُ الظَّاهِرُ وَالضَّمِيرُ الْمُسْتَتِرُ نَائِبِينَ عَنِ الْفَاعِلِ مَعًا:

- ۱) تُشَجِّعُ الْأَخْتَانُ اللَّتَانِ تُحَاوِلَانِ كَثِيرًا. ۲) تُحَرِّزُ فَلَسْطِينُ مِنْ أَيْدِي الْغَاصِبِينَ وَ تُحْتَرِّمُ.  
۳) أَعْرِفَ هَذَا الطَّالِبَ وَ أُحْتَرِّمُ وَالِدَهُ فِي الْحَفْلَةِ. ۴) لَا تُكْرَمِينَ وَلَكِنْ يُكْرَمُ أَحْوَكُ.



## کتاب دهم

۱۶۶	درس اول
۱۷۴	درس دوم
۱۷۷	درس سوم
۱۸۰	درس چهارم
۱۸۳	آزمون ترجمه عربی دهم ۱،۲،۳،۴
۱۸۴	درس پنجم
۱۸۷	درس ششم
۱۹۰	درس هفتم
۱۹۳	درس هشتم
۱۹۴	آزمون ترجمه عربی دهم ۵،۶،۷،۸
۱۹۵	آزمون ترجمه عربی دهم

## کتاب یازدهم

۱۹۹	درس اول
۲۰۲	درس دوم
۲۰۵	درس سوم
۲۰۸	درس چهارم
۲۱۱	آزمون ترجمه عربی یازدهم ۱،۲،۳،۴
۲۱۲	درس پنجم
۲۱۵	درس ششم
۲۱۸	درس هفتم
۲۲۱	آزمون ترجمه عربی یازدهم ۵،۶،۷
۲۲۲	آزمون ترجمه کل عربی یازدهم

**ت**رجمه بخش مهم دیگری از برنامه عربی کتاب‌های نظام جدید است. جمله‌های کتاب درسی شما شامل متن درس‌ها، متن مکالمه‌ها، و تعداد زیادی آیه قرآنی و حدیث و البته تعدادی ضرب‌المثل و جمله حکیمانه و چند بیت شعر فارسی آمیخته با عربی است. ما، در بخش ترجمه، تقریباً همه این جملات مهم را پوشش داده‌ایم؛ یعنی نهایت تلاشمان را به خرج داده‌ایم که جمله‌ای در کتاب نباشد که در بخش ترجمه تستی از آن نیامده باشد.

در این بخش، بعد از بیان نکات مهم ترجمه‌ای هر درس و مثال‌های آموزشی، آزمونی هم با تمرکز بر جملات همان درس آمده است و آزمون‌های دوره‌ای بعد از هر چهار درس و هر کتاب نیز در نظر گرفته شده است. مجموعاً نزدیک به ۲۵۰ پرسش چهارگزینه‌ای ترجمه در این بخش داریم و در این مجموعه، تقریباً از همه جملات مهم کتاب‌های درسی سؤال وجود دارد.

## درس دوم

با دقت و آرازش مطالب آموزشی آن را بخوانید

### انتظارات آموزشی

آنچه انتظار داریم در پایان این درس بدانید:  
تأثیر حروف اضافه در تغییر معنای فعل  
شناسایی و ترجمه اعداد اصلی و ترتیبی  
نحوه ترجمه چهار عمل اصلی محاسبه ریاضی



## یادگیری



### تأثیر برخی حروف اضافه در تغییر معنای را بدانید.

حروف اضافه می‌توانند روی معنای فعل تأثیر بگذارند. در این درس، می‌بینیم حرف «بِ» برخی فعل‌های لازم را به متعدی تبدیل می‌کند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

جاء = آمد ← جاء ضيوفنا الأعراب: مهمانان عزیزمان آمدند.  
جاء بِ = آورد ← جاء صديقي بِوردةٍ لضيوفنا الأعراب: دوستم برای مهمانان عزیزمان گلی آورد.

أتى = آمد ← أتى التلاميذ ألى المكتبة = دانش‌آموزان به کتابخانه آمدند.  
أتى بِ = آورد ← أتى التلاميذ بِكتابٍ = دانش‌آموز کتابی را آورد.

قام = ایستاد ← قام الطلاب و سلم على أستاذهم: دانش‌آموزان ایستادند و به استادشان سلام کردند.  
قام بِ = اقدام کرد، پرداخت، عمل کرد: قام التلميذ بأداء واجباته: دانش‌آموز به انجام تکالیف خود پرداخت.

ذهب = رفت ← ذهب المرضى الى المستشفى: بیماران به بیمارستان رفتند.  
ذهب بِ = بُرد ← ذهب الأطباء بالمرضى الى المستشفى: پزشکان بیماران را به بیمارستان بردند.

## تذکر

اگر بعد از فعل جاء، یک اسم منصوب بیاید به صورت «فزد ... آمد» ترجمه می‌شود. (درباره اسم‌های منصوب در بخش قواعد مطالب زیادی خواهید آموخت.)

مثال: التلاميذ جاؤوا أستاذهم؛ أستاذٌ در این جمله، منصوب است، یعنی حرف آخر آن فتنحه دارد؛ پس ترجمه‌ی جمله چنین است: دانش‌آموزان نزد استادشان آمدند.

### ترجمه اعداد اصلی و ترتیبی (یک تا صد) را بدانیم.

در ترجمه اعداد به موارد زیر توجه کنید:

\* دو عدد (واحد و اثنان، اثنین) در عربی پس از اسم مربوط به خودشان می‌آیند، ولی در ترجمه فارسی قبل از آن اسم قرار می‌گیرند.

مثال: قرأت کتاباً واحداً: یک کتاب را خواندم.

\* در اعداد ۲۱- تا ۹۹ (به جز عقود)، در عربی ابتدا یکان ذکر می‌شود، ولی در فارسی ابتدا دهگان می‌آید.

مثال: واحدٌ و عشرون: بیست و یک (۲۱)

ترجمه چهار عمل اصلی ریاضی را بدانیم.

- \* زائد: جمع (خمسة زائد أربعة) → (5=4)
- \* ناقص: تفریق (تسعون ناقص عشرة) → (90-10)
- \* ضرب فی (فی): ضرب (أربعة ضرب فی ثلاثة = أربعة فی ثلاثة) → (4×3)
- \* تقسیم علی (علی): تقسیم (عشرون تقسیم علی خمسة) → (20÷5)
- \* یساوی: مساوی است با (عشرة فی أربعة یساوی أربعین) → (10×4=40)
- \* لایساوی: مساوی نیست با ... (عشرة فی أربعة لایساوی ثمانین)
- \* فی مئة: درصد (ثمانین فی المئة = 80)

تمرین تستی

روش پاسخگویی:

در سؤال‌های ترجمه دو الگوی کلی وجود دارد:

الگوی دوم

ترجمه‌های چندعبارتی

الگوی اول

ترجمه‌های یک‌عبارتی

یادآوری

مراحل پاسخگویی به سوال‌های ترجمه را به یاد داشته باشید:

- ۱- یافتن موارد کلیدی
- ۲- رد گزینه‌ها براساس موارد کلیدی (حداقل ۲ گزینه)
- ۳- مقایسه گزینه‌های باقیمانده با صورت سوال

الگوی اول

ترجمه‌های یک‌عبارتی:

عین الأصحّ و الأدقّ فی الترجمة للسئلة (۸-۱)

۴۲۵. «كَانَتْ ثَلَاثُ مُدْرَسَاتٍ يَنْتَظِرْنَ أَنْ تَفْرُغَ الْمُدْرَسَةُ مِنَ التَّلْمِيذَاتِ بَعْدَ انْتِهَاءِ الدَّوَامِ الْمُدْرَسِيِّ.»
- ۱ سه معلم بعد از پایان ساعت کار، منتظر ماندند که مدرسه خالی از دانش‌آموزان شود.
  - ۲ سومین معلم منتظر می‌ماند که مدرسه از دانش‌آموزان خالی شود و ساعت کار درسی تمام شود.
  - ۳ سه معلم بعد از پایان ساعت کار مدرسه، منتظر می‌مانند که مدرسه از دانش‌آموزان خالی شود.
  - ۴ سی معلم پس از اتمام ساعات کار مدرسه، منتظر بودند که دانش‌آموزان مدرسه را خالی کنند.
۵۲۵. «شَكَرْتُ صَدِيقِي وَ طَلَبْتُهُ إِطْفَاءَ مَصَابِيحِ الْحُجْرَاتِ.»
- ۱ از دوستم سپاسگزاری کردم و از او خواستم که چراغ‌های اتاق‌ها را خاموش کند.
  - ۲ دوستم را سپاس گفتم و از او خواستم چراغ‌های اتاق را خاموش کند.
  - ۳ از دوستم تشکر کردم و از او خاموش کردن چراغ اتاق را درخواست کردم.
  - ۴ از دوستم تشکر می‌کنم و از او می‌خواهم که چراغ‌های اتاق‌ها را روشن کند.
۶۲۵. «طَلَبْتُ أُمِّي أَنْ يَ فِي حِصَّةِ تَقْوِيَةٍ أَوْ أَمَارِسُ نَشَاطًا حُرًّا فِي صَفِّ آخَرَ.»
- ۱ مادرم تصور کرد که من در حال تقویت هستم و فعالیتی آزاد در کلاس دیگر انجام می‌دهم.
  - ۲ مادرم گمان می‌کرد که من در زنگ تقویتی بودم یا مشغول تمرین با نشاطی در کلاس دیگری بودم.
  - ۳ مادرم گمان کرد که من در زنگ تقویتی هستم یا فعالیتی آزاد در کلاسی دیگر انجام می‌دهم.
  - ۴ مادر تصور کرد که من در برنامه تقویتی شرکت دارم و با نشاط و آزاد در کلاس دیگران فعالیت دارم.
۵۲۷. فِي صَبَاحِ الْيَوْمِ التَّالِي، قَامَ مَعْلَمُنَا بِتَوْزِيعِ خَمْسَةِ عَشْرَ تَهْتَالًا بَيْنَنَا.»
- ۱ صبح روز قبل، معلم ما اقدام به پخش کردن پانزده تابلو در میان ما کرد.
  - ۲ صبح فردا، معلممان مشغول پخش پنجاه تندیس در میان ما می‌شود.
  - ۳ صبح روز بعد، معلم به پاخواست و تندیس پانزدهم را به ما داد.
  - ۴ صبح روز بعد، معلم ما اقدام به پخش پانزده تندیس در بین ما کرد.

- ۸۲۵ «هؤلاء مواطنون يشعرون بالمسؤولية و يتصحنون من يرمي النفايات في الحدائق العامة.»
- ۱ اینها شهروندانی هستند که احساس مسؤولیت می کنند و کسی را که زباله ها را در پارک های عمومی می اندازد نصیحت می کنند.
  - ۲ اینها هم وطنانی هستند که مسؤولیت دارند و هر کس را که در باغ های عمومی آشغال ها را می ریزند نصیحت می کنند.
  - ۳ این هم وطنان احساس مسؤولیت می کنند و کسانی را که در پارک ها زباله می اندازند نصیحت می کنند.
  - ۴ این شهروندان احساس مسؤولیت می کردند و کسی را که در گردشگاه های عمومی زباله ها را جمع می کرد نصیحت می کردند.

- ۹۲۵ «في هذا الفندق واحدة و عشرون حجرة و لكن تيار الكهرباء مقطوع في ثمانين في المئة من ها.»
- ۱ در این هتل ها، بیست و یک اتاق هست و جریان برق در هشتاد درصد آن ها وجود دارد.
  - ۲ در این هتل بیست و یک اتاق هست ولی جریان برق در هشتاد درصد آن ها قطع شده است.
  - ۳ در این یک هتل، بیست اتاق هست ولی چراغ برق در هشت درصد از اتاق ها خاموش است.
  - ۴ در این هتل، دوازده اتاق وجود دارد اما جریان برق در هشتاد درصد از آن ها قطع می شود.

- ۹۳۵ «هل تعلم ليست من المناسب كتابة هذا الحديث على اللوحة الجدارية؟»
- ۱ آیا دانستی نوشتن سخن بر روی تابلو دیواری مناسب نیست؟
  - ۲ آیا می دانی مناسب است که این سخن را بر روی تابلو دیواری بنویسی؟
  - ۳ آیا می دانید نوشتن آن گفتار بر روی تابلوهای دیواری مناسب نیست؟
  - ۴ آیا می دانی نوشتن این گفتار روی تابلو دیواری مناسب نیست؟

- ۱۳۵ «بعد انتهاء الدوام الدراسي كانت الطالبة تذهب لإغلاق حنفية الماء التي كانت مفتوحة.»

بعد از اتمام ساعت کار مدرسه ...

- ۱ دانش آموز برای بستن شیر آب که باز مانده بود می رفت.
- ۲ دانش آموز برای بستن شیر آب باز مانده، رفته بود.
- ۳ دانش آموزان برای بستن شیر آب که باز مانده بود می روند.
- ۴ دانش آموز برای بستن شیر آب باز رفت.

## الگوی دوم

### ترجمه های چند عبارت:

- ۵۲۲ عین الصحیح:
- ۱ هل جئت إلى مازندران للمرة الثانية؟ آیا دو بار است که به مازندران آمده ای؟
  - ۲ ما أجمَل هذه البلاد و أنا أحبها كثيراً: این سرزمین زیبا نیست ولی من آن را بسیار دوست دارم.
  - ۳ كان يعيش زائر من مشهد المقدسة في هذا البيت من قبل: زائری از مشهد مقدس از مدت ها قبل در این خانه زندگی می کند.
  - ۴ قلت لأمی أنا جائع جداً ولكنها قالت لی: إن طعام الواحد يكفي الاثنين: به مادرم گفتم من واقعا گرسنه ام ولی او به من گفت: مسلماً غذای یک نفر برای دو نفر بس است.

### عین الخطأ:

- ۱ یحب ربی من اخلص له اربعین يوماً: پروردگار من، کسی را که چهل روز برای او مخلص شود دوست دارد.
- ۲ تعلم الاخرین كقرس شجرة ذات العصون النضرة: یاد دادن به دیگران مانند کاشتن درختی دارای شاخه های تر و تازه است.
- ۳ قیلت المدرسة هذا الاقتراح الحسن: این پیشنهاد به خوبی در مدرسه پذیرفته شد.
- ۴ أحفظ علی الهدوء في مكتبة مدرستنا: آرامش را در کتابخانه مدرسه مان حفظ می کنم.

### عَيْن الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي التَّرْجَمَةِ:

۲۱۹. لَا تَسْأَلْ مَنْ لَيْسَ لَهُ عِلْمٌ مِنَ الْعُلُومِ الطَّبِئَةِ عَنِ أخطرِ الْأَمْرَاضِ.

- ۱) از کسی که از علوم پزشکی آگاهی ندارد، درمورد خطرناک‌ترین بیماری‌ها نباید سؤال پرسیم.
- ۲) از کسی که از دانش پزشکی آگاهی ندارد، درمورد بیماری‌های خطرناک سؤال نمی‌پرسیم.
- ۳) از کسی که درباره علوم پزشکی علمی ندارد، درمورد خطرناک‌ترین بیماری سؤال نپرسید.
- ۴) از هر که دانشی به علوم طبیعی ندارد، درمورد پرخطرترین بیماری‌ها نباید سؤالی پرسیم.

۲۲۰. عَاهَدْتَنِي عَلَيَّ أَنْ لَا يَكْذِبَ فِي حَيَاتِهِ لِأَنَّهُ أُصِيبَ بِالْكَذِبِ بِصُعُوبَاتٍ كَثِيرَةٍ لَنْ يَنْسَاهَا أَبَدًا.

- ۱) به من تعهد داد که در زندگانی دروغ نمی‌گوید؛ زیرا با دروغ به مشکلات بسیار دچار شده که هیچ وقت آن را فراموش نکرده است.
- ۲) به من تعهد داد که در زندگی‌اش دروغ نگوید؛ زیرا با دروغگویی به سختی‌های زیادی دچار شده که هرگز آن‌ها را فراموش نخواهد کرد.
- ۳) به من تعهد بده که در زندگی‌اش دروغ نگوید؛ زیرا با دروغگویی به سختی‌های زیادی دچار شده که هرگز آن‌ها را فراموش نمی‌کند.
- ۴) به من تعهد بده که در زندگی‌اش دروغ نمی‌گوید؛ زیرا با دروغ به مشکلات بسیاری دچار شده که هیچ‌وقت آن را فراموش نخواهد کرد.

۲۲۱. إِنْ أَرَدْتَ أَنْ تُسَافِرَ إِلَى قَرْيَةٍ فِيهَا ذِكْرِيَاتٌ أَيَّامِكَ الصَّغَرِ اضْبُرْ حَتَّى تَأْتِيَ سَيَّارَةً تَنْقَلُكَ.

- ۱) اگر خواستی به روستا سفر کنی که خاطرات دوران کودکی‌ات است، صبر کن تا ماشین بیاید و تو را جابه‌جا کند.
- ۲) اگر می‌خواهی به روستایی که خاطرات دوران کودکی‌ات در آن است سفر کنی، باید صبر کنی تا ماشین بیاید و تو را جابه‌جا کند.
- ۳) اگر می‌خواهی به روستایی که خاطرات دوران کودکی‌ات در آن است مسافرت کنی، صبر کن تا ماشینی بیاید که تو را جابه‌جا کند.
- ۴) اگر خواستی به روستاهایی که خاطرات دوران کودکی در آن است مسافرت کنی، صبر کن تا ماشینی را جابه‌جا شوی.

۲۲۲. فِي الْحِصَّةِ الثَّلَاثَةِ سَأَلَتِ الْمُدْرَسَةُ التَّلْمِيزَةَ الَّتِي تَجْلِسُ آخِرَ الصَّفِّ عَنِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةِ وَلَكِنَّمَا لَمْ تَسْتَطِعْ أَنْ تُجِيبَ.

- ۱) زنگ سوم، معلم از دانش‌آموزی که ته کلاس می‌نشست در مورد عملیات ریاضی سؤال کرد، ولی او نمی‌تواند پاسخ دهد.
- ۲) سومین زنگ، معلم از دانش‌آموزی که آخر صف می‌نشست در مورد عملیات ریاضی سؤال می‌کند، ولی او نتوانست پاسخ دهد.
- ۳) زنگ سوم، معلم از دانش‌آموزی که در کلاس دیگر می‌نشست در مورد عملیات ریاضی سؤال کرد، ولی او نمی‌تواند جواب دهد.
- ۴) زنگ سوم، معلم از دانش‌آموزی که انتهای کلاس می‌نشست در مورد عملیات ریاضی سؤال کرد، ولی او نتوانست پاسخ دهد.

۲۲۳. لِنَعْلَمَ أَنَّ الْاهْتِمَامَ بِالرِّيَاضَةِ وَ أَكْلَ الطَّعَامِ الْمُفِيدِ مِنْ عَوَامِلِ تَسَبُّبِ سَلَامَةِ الْجِسْمِ.

- ۱) باید بدانیم که توجه به ورزش و خوردن غذای مفید از عواملی هستند که باعث سلامتی بدن می‌شود.
- ۲) برای اینکه بدانیم که اهمیت دادن به ورزش و خوردن غذاهای مفید از عوامل سلامتی جسم است.
- ۳) باید بدانیم اگر به ورزش توجه کنیم و غذای سودمند بخوریم این عوامل باعث سلامتی جسم می‌شوند.
- ۴) تا بدانیم که توجه به ورزش و خوردن غذای سودمند عاملی است که سبب سلامت جسم می‌شود.

۲۲۴. قَالَ الْمَدِيرُ: كُنْتُ لَا أَعْرِفُ لِمَاذَا لَمْ يَحْضُرْ سِتَّةَ عَشَرَ تَلْمِيزًا فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ وَ لَمْ يَمْتَحِنُوا. «مَدِيرٌ كَفَتْ: ...»

- ۱) نمی‌دانم چرا ۲۶ دانش‌آموز در سالن امتحانات حاضر نشدند و امتحان ندادند.
- ۲) نمی‌دانستم چرا ۱۶ دانش‌آموز در سالن امتحان حاضر نشدند و امتحان ندادند.
- ۳) نمی‌دانستم چرا ۱۶ دانش‌آموز در سالن امتحان حاضر نمی‌شوند و امتحان نمی‌دهند.
- ۴) نمی‌دانستم چرا ۲۶ دانش‌آموزی که در سالن امتحان حاضر نشده بودند امتحان ندادند.

۲۲۵. أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ لَا يَقْنَطُ وَ يَجْتَهِدُ حَتَّى يَصَلَ إِلَى أَهْدَافِهِ.

- ۱) آیا نمی‌دانند کسی که بر خدا توکل کند ناامید نمی‌شود و تلاش می‌کند تا به اهدافش برسد.
- ۲) آیا ندانستند کسی که بر خدا توکل می‌کند، او ناامید نمی‌گردد و تلاش خواهد کرد تا به هدف خود برسد.
- ۳) آیا نمی‌دانند که هر کس بر خدا توکل کرد، او ناامید نشد، پس او تلاش می‌کند تا به اهدافش برسد.
- ۴) آیا ندانستند که هر کس بر خدا توکل کند، او ناامید نمی‌شود و تلاش می‌کند تا به اهدافش برسد.

۲۲۶. لِي صَدِيقٌ مُعَوَّقٌ يُحِبُّ أَنْ يُصَبِّحَ مَعْرُوفًا وَ يَحْصَلَ عَلَى الشَّهَادَةِ الْجَامِعِيَّةِ فَأَسَاعِدُهُ.

- ۱) دوست معلولی دارم که دوست دارد معروف شود و مدرک دانشگاهی به دست آورد؛ لذا یاری‌اش نمودم.
- ۲) برای دوست معلولی که دوست دارد معروف شود و مدارک دانشگاهی به دست آورد یاریگر هستم.
- ۳) دوست معلولی دارم که دوست دارد معروف شود و مدرک دانشگاهی به دست آورد، لذا او را کمک می‌کنم.
- ۴) برای دوست معلولم که می‌خواهد معروف شود مدرک دانشگاهی گرفتم و او را یاری نمودم.

۲۲۷. إِنْ يَطْلُبُ أَحَدٌ مِنْكَ مَوْعِظَةً فَتَمْنَعُهُ عَنِ ارْتِكَابِ الْمَعَاصِي انْصَحْهُ بِالتَّزَامِ الصَّدَقِ.

- ۱) اگر یکی پندی از تو بخواهد تا از ارتکاب گناهان بازدارد، او را به پایبندی به دوستی اندرز بدهید.
- ۲) اگر یکی از تو اندرزی بخواهد که وی را از ارتکاب گناهان بازدارد، به پایبندی به راستگویی پندش بده.
- ۳) اگر از تو اندرزی خواسته شود که یکی را از ارتکاب گناهان بازدارد، او را به پایبندی به دوستی پند بده.
- ۴) اگر کسی از تو پندی بخواهد که از ارتکاب گناهان بازداشته شود، او را به پایبندی به راستگویی پند بده.